

# فره‌نچمنگان

از رهگذار نظریات روابط بین الملل ، دو نگاه متمایز در باره رفتار کنش گرایانه و خشونت‌بار اسرائیل به ویژه در پس از طوفان الاقصی و واقعه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و نیز حمله و تجاوز آشکاره به ایران در جنگ ۱۲ روزه ۱۴۰۴ ، قابلیت طرح دارد: رویکرد نخست در چهارچوب رئالیسم تهاجمی (Offensive Realism) بر آن است که اسرائیل در این مجال، فرصتی برای تسویه حساب با محور مقاومت با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران و تبدیل شدن به یک قدرت هژمون منطقه‌ای در ابعاد میلیتار یستی دیده است؛ به این معنا که در نظر دارد از همه ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود استفاده کرده و خود را از لحاظ نظامی -راهبردی، و پس از آن اقتصادی ، اجتماعی -فرهنگی و سیاسی ، در موضع قدرت مسلط و هژمون در منطقه شامات، غرب آسیا و شمال آفریقا (Middle East and North Africa (MENA و حتی فراتر قرار دهد. این امر تنها از رهگذر نابودی و یا تضعیف جدی محور مقاومت به عنوان بزرگ‌ترین و توانمندترین بازیگر و نیروی موجود، ممکن است. جریان اصلی دیگر، اندیشه‌ای است که گرد ایده و نظریه رئالیسم تدافعی (Defensive Realism) مفصل بندی می‌شود. بر اساس این رویکرد، دولت‌ها در رفتاری تدافعی وارد می‌شسوند که با هدف حفاظت از آن‌ها در برابر جهان پر آشوب و غیرقابل پیش بینی سیاست بین الملل ، به ویژه نیروها و بازیگران رقیب و یا دشمن ، طراحی شده است. در عرصه نظام بین الملل و نیز منطقه، همسایگان عرب و مسلمان‌ی که خود را رقیب و دشمن اسرائیل می‌بینند، آن را موجودیتی غیر مشروع می‌دانند که به‌صورت بالقوه و بالفعل به‌دنبال هژمونی طلبی، تجاوز و کنترل آن‌ها است. این در حالی است که اسرائیل مدعی است که در جهان دشمن ها و تش‌ها زیست کرده و خود را منجی و ایستاده در میدان مبارزه با خشونت‌ها و تروریسم و به تعبیر موهوم بنیامین نتانیاهو «بربریت» می‌داند. اسرائیل مدعی است که خط مقدم دفاع از «جهان آزاد» در برابر جهان غیرمتمدن و دیکتاتوری‌هاست. پروپاگاندا ی اسرائیل ، این موجودیت را به عنوان توالی فرهنگ و تمدن غربی در منطقه‌ای آکنده از خشونت و افراطی گری‌با زتمایی می‌کند که هر لحظه با یهودی ستیزی و هولوکاستی نوشونده و دشمنان متعددی رویه‌رو است که ایران و محور مقاومت سر و مرکزیت آن را تشکیل می‌دهد.

یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۷۴

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

فراسوی «رئالیسم تدافعی» و «رئالیسم تهاجمی» رژیم صهیونیستی چیست؟

# تل آویو در تلهٔ قدرت

ژرفنای چشمگیر اقدامات نظامی و خشونت‌بار آن توانسته افکار عمومی جهانیان را متقاعد بکند و با چالش‌ها و پرونده‌های متعدد در موضوع جنایت علیه بشریت و نسل کشی و ترور به ویژه در ارتباط با مردم فلسطین و غزه روبرو یست. موج گسترده اعتراضات و راهپیمایی‌ها برای آزادی فلسطین و غزه و محکومیت جنایات اسرائیل در سطح جهان، خود گواهی بر این امر است.

میلیتاریسم بنیاد اسرائیل را تشکیل می‌دهد. میلیتاریسم در اسرائیل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. این میلیتاریسم نه صرفاً سیاسی که فرهنگی، شناختی و رسانه‌ای و... نیز است. اسرائیل در سطح سیاست‌سازی و سیاست‌پردازی، با مقوله بقادست و پنجه نرم می‌کند. این موجودیت می‌داند که یک سازه ناهمساز با محیط پیرامون خویش و حتی فراتر از آن است. چالش‌ها و بحران‌ها به میزانی که به لایه‌ها و سطح بنیادین‌تر برگردند، حساس‌تر و جدی‌تر می‌شوند. بحران‌های وجودی در این میان اساسی‌ترین رده هستند. اصل بقا کانون‌ترین اصل زیست‌فردی و اجتماعی بوده و اسرائیل همواره با این حوزه‌درگیر است.

#### معماری امنیتی جدید منطقه

اسرائیل مدعی است که چهره منطقه را تغییر داده است. این بیان به صورت پیوسته در ادبیات سران این موجودیت به ویژه نتانیاهو دیده می‌شود. اسرائیل به دنبال یافتن جایگاه‌اش در معماری امنیتی جدیدمنطقه، به‌عنوان یک‌بازیگر اصلی‌فرمانده است که در آن با تهدید بالقوه و بالفعل کلان و بنیادینی درگیر نباشد. این امر به ویژه پس از طوفان الاقصی وواقعه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ رنگ و بوی عیان‌تر و علنی‌تری به خود گرفت. اسرائیل در بازه زمانی پس‌اطوفان الاقصی در هینت یک بازیگر تجدیدنظرطلب در بافتار نظام بین‌الملل حاضر شده و مدعی است که نظم و ساختاری نوین را در بستر نظم موجود صورت‌بندی نموده است. این موضوع با روی کار آمدن دونالد ترامپ و پشتیبانی‌های جدی‌وی‌و حتی طرح ایده‌وبرنامه اخراج و کوچ بدون بازگشت ساکنان غزه بسیار پررنگ‌تر شده است.

#### خودمختاری؛ منطق رفتار اسرائیل

اصل «خودمختاری» شاید ویژگی بارز عصر جدید اسرائیل باشد. «برجسته‌سازی اصل بقا» و «مظلوم‌نمایی تاریخی» در پیوستار ایجاد پیوندهای راهبردی در سطح سخت‌افزاری و افزایش سطح بار دراماتیک-عاطفی در سطح نرم‌افزاری دو بنیاد کنشگری اسرائیل را معنا می‌بخشد.

اسرائیل در سایه‌اصل خودمختاری و تک‌تازی، می‌تواند به‌عنوان یک‌بازیگر مخرب امنیت و سرکش معرفی‌شود. تمایلات اسرائیل برای تبدیل شدن به یک قدرت فرمانطقه‌ای، به‌ویژه خواسته‌های میلیتاریستی و راهبردی‌اش، در طول زمان با دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه با جهان اسلام به‌طور عام و جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به‌صورت خاص تزاخم‌داشته‌اند و همین‌امر موجودت‌قوتی اصل خودمختاری و توسل به زور و خشونت در آن بوده است.

#### چهارچوبی نظری برای تحلیل رفتار اسرائیل

رفتار اسرائیل در حدفاصل رئالیسم تدافعی و رئالیسم تهاجمی با گرایش جدی به سوی کنشگری و خشونت‌گرایی قرار دارد. فهم این امر نیازمند تبیین

تنش هسته‌ای توتیتتر، ماجرای جدل مدودف و ترامپ

# بهانه می‌گیرم، پس هستم

##### ادامه از صفحه یک

##### ویژگی‌های روسیه طی چند قرن گذشته

روسیه ویژگی‌هایی دارد که کار آمریکا برای مهار این کشور را دشوار می‌کند. هر چند آمریکابرتی‌هایی‌بر روسیه‌پیدا کرده؛ اما این به‌معنای تسلط بر رفتارهای مسکونیست. بخش‌های اصلی روسیه هیچ‌گاه به‌طور بلندمدت جدا نشده‌اند. در جریان جنگ جهانی اول به‌طور موقت و بسیار کوتاه‌مدت تحولاتی رخ دادند؛ اما تمامیت ارضی سرزمین اصلی روسیه دستخوش تغییر نشد.

تسلط روس‌ها بر محیط‌غیر متجانس پیروانی‌شان در چند مرتبه از دست رفته؛ اما بار دیگر بازگشته است. تحولات پس از نابودی امپراتوری روسیه در جنگ جهانی اول و پس از فروپاشی شوروی این روند را نشان می‌دهد. روس‌ها نفوذ خود را به میزان زیادی حفظ کردند.

روس‌ها از نظر ایدئولوژیک عملکرد قابل توجهی در محیط غرب داشته‌اند. نفوذ در سرزمین‌های اسلاو و اتدکس‌نشین در دوره امپراتوری، نفوذ با گروه‌های کمونیست و چپ‌گرا پس از تأسیس شوروی، پیوند و ارتباط با راست‌های افراطی و جمعیت‌های روس تبار باقی‌مانده در خارج از سرزمین روسیه از این جمله‌اند. این نفوذها قومی و ملی‌گرایانه، اندیشه‌ای و ادینی -مذهبی بوده‌اند.

روس‌ها با مناسبات آمریکا آشنایی مستقیم و نزدیک دارند. آن‌ها پیش از تأسیس آمریکا به آلاسکا دست یافتند. در زمانی که کشور آمریکا به شرق و میانه محدود می‌شد، روس‌ها در کالیفرنیا تحركاتی داشته و فورث راس را در سال ۱۸۱۲ در شمال ایالت کالیفرنیا کنونی ساختند. مهاجران روس و بعدها جاسوسان و مرتبطان با شوروی و جدال‌های مداوم میان مسکو و واشنگتن به این قضیه کمک کرد تا روسیه نفوذ و شناخت خوبی از آمریکا به دست آورد.

آمریکا در فضایی جنگ افغانستان، فروپاشی بلوک شرق، جنگ بالکان و همچنین اشغال افغانستان و به‌ویژه عراق، جنگ ۲۰۲۰ قفقاز و سقوط سوریه در ۲۰۲۴ ضریباتی به روسیه زد. از ده سال ۲۰۰۸ در قفقاز، در سال ۲۰۱۴

علی دمیرچی خبرنگار

تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و به ویژه به تأسیسات هسته‌ای آن در اول تیرماه ۱۴۰۴، در شرایطی صورت گرفت که این کشور در حال اجرای تعهدات خود نسبت به معاهده ان‌پی‌تی بود. در این شرایط ان‌پی‌تی توانست از حق غنی‌سازی و هدف قرار گرفتن تأسیسات و دانشمندان هسته‌ای ایران به عنوان یکی از اعضای خود در مقابل رژیم صهیونیستی و ایالات متحده به عنوان دارندگان سلاح هسته‌ای محافظت کند. در عین حال آژانس انرژی اتمی به عنوان بازی نظارتی معاهده ان‌پی‌تی نه تنها این حملات را محکوم نکرد بلکه به گفته مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، این نهاد، اقدام به انتقال اطلاعات از ایران به کشور‌های متخاصم کرده است. همچنین این نهاد با ارائه گزارش‌های نادرست زمینه‌ساز صدور قطعنامه در شورای حکام علیه ایران و زمینه‌سازی بین‌المللی

بیشتر مبانی نظری و تحلیل این دو نوع نظریه رئالیستی است.
نئورئالیسم تدافعی یکی از نظریه‌های ساختاری است که از رویکرد واقع‌گرایی روابط بین‌الملل سرچشمه می‌گیرد. اثر کنت والتز (Kenneth Waltz) «نئوری سیاست بین‌الملل» (Theory of International Politics) با ایده رئالیسم تدافعی همراه بود. والتز بر این باور است که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل دولت‌ها را در راستای در پیش گرفتن سیاست‌های معتدل با هدف حفظ امنیت برمی‌انگیزد. والتز بر این باور است که دولت‌ها در نظام آنارشیک بین‌الملل ذاتاً بازیگران متخاصمی نیستند؛ چراکه نخستین دغدغه آن‌ها نه تنها انباشت قدرت، بلکه حفظ وضعیت و جایگاهشان در این نظام است.

مفروض رئالیسم تدافعی با آنچه در رئالیسم تهاجمی مورد نظر مرشایمر (John Mearsheimer) و دیگران وجود دارد متفاوت است؛ مرشایمر در آفراین صفحات کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ (The Tragedy of Great Power Politics) (of اظهار می‌کند که دولت‌ها تا آنجا که امکان دارد به دنبال انباشت قدرت هستند و تنها از رهگذر سلطه است که دولت‌های هژمون می‌توانند به امنیت مطلوب دست یابند. نئورئالیسم تدافعی استدلال می‌کند که منظور نئورئالیسم تهاجمی از بسط تهاجمی، مفروضات مورد مدعای نظریه موازنه قدرت را ملغی می‌کند؛ بنابراین والتز ادعا می‌کند که دولت‌ها بیش از تعداد، به سبست موازنه می‌روند. در عین حال، رئالیسم تدافعی این امر را در نظر می‌گیرد که هر دولتی در نظام آنارشیک که به دنبال دستیابی به هژمونی باشد با فاصله پس زده می‌شود و از سوی دولت‌هایی که وضع موجود را ترجیح می‌دهند به سمت توازن پیش می‌رود. در شرایطی که اصحاب رئالیسم تهاجمی اظهار می‌کنند که دولت‌ها ذاتاً به دنبال سلطه و هژمونی هستند، رئالیست‌های تدافعی باور دارند که دولت‌ها به اندازه کافی اجتماعی و آگاه هستند که تخاصم پیش‌رونده، به مقاومت از سوی دیگر دولت‌ها می‌انجامد. آن‌گونه که اسنایدر در اثر خود (Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition) می‌گوید: «آنارشسی بین‌المللی به تخاصم با‌داش نمی‌دهد، بلکه آن را تنبیه می‌کند.» افزون بر این، برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی که به دنبال حداکثرسازی قدرت تا جای ممکن است، والتز بر این باور است که نظام آنارشیک بین‌الملل، محرک‌های راهبردی را برای هر دولت عقلانی تقویت می‌کند تا قدرت بیشتری به دست آورد، اما برای این دولت‌ها احقاقانه است که در این نظام به دنبال هژمونی باشند. والتز استدلال می‌کند که دولت‌ها باید به‌جای حداکثرسازی قدرت، میزان متناسبی از قدرت را انباشت کنند؛ چراکه بسیار قدرتمند بودن اساساً دیگر دولت‌های قدرتمند را به سوی توازن علیه شما و نفوذ سبلی علیه امنیت شما بر می‌انگیزد یا ممکن است به این نتیجه برسند که قدرت شما را ویران کنند.

#### «میلیتاریسم متوحش اسرائیل» و سه راهبرد

اگرچه دو جریان واقع‌گرایی ساختاری بر اهمیت قدرت اتفاق‌نظر دارند، در خصوص میزان قدرتی که باید هر دولت به ویژه از جنس اسرائیل انباشت کند اختلاف دیدگاه دارند. با این وجود، نئورئالیست‌های تدافعی

و تهاجمی، هر دو بر سه راهبرد اتفاق‌نظر دارند که قدرت بازیگرانی همچون اسرائیل از رهگذر آن‌ها امکان افزایش یا انباشت داشته و در عین حال می‌توان با آن مقابله کرد. این سه استراتژی عبارت‌اند از توازن داخلی (مصارف نظامی)، توازن خارجی (اتلاف‌سازی) و راه‌اندازی نزاع‌های نظامی؛ چراکه این راهبردها به دولت‌هایی همانند اسرائیل امکان می‌دهند که نه تنها قدرتش‌ان را افزایش دهند، بلکه تهدیدهای بالقوه را نیز تضعیف نمایند. نابودی «میلیتاریسم متوحش» اسرائیل در بافت خنثی‌سازی سه راهبرد پیش‌گفته ممکن است.

از دید نئورئالیست‌ها دولت‌هایی از جنس اسرائیل به پنج دلیل به دنبال قدرت (با محوریت قدرت سخت‌افزاری و میلیتاریستی) هستند.

۱ طبعیت آنارشیک نظام بین‌الملل، چراکه هیچ حکومت بین‌المللی با نظام هیرارشیک و سلسله‌مراتبی وجود ندارد که بتواند رفتار دولت‌ها را کنترل، تنظیم و پلیسی‌سازی کند.

۲ هر دولتی سهم خاص خود از توانایی‌های میلیتاریستی و نظامی آقندی و تهاجمی را دارد. درست است که از دولتی به دولت دیگر متفاوت است و در طول زمان تغییر می‌کند. قدرت بازیگران در ارتباط با دیگر بازیگران سسنجیده شده و هر بازیگر نیازمند حداکثرسازی قدرت و توان خویش است.

۳ سیاست‌سازان هر دولتی به سبخی می‌توانند مقاصد دیگر دولت‌ها را دریابند. مقاصد و اقدامات آتی به ویژه در زمینه توانایی‌های نظامی غیرقابل ارزیابی و پیش‌بینی هستند. این امر بدان معناست که باید قدرت خود را به‌صورتی فراینده افزایش داد.

۴ مهم‌ترین هدف هر دولتی حفظ بقا، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی خود است. بازیگرانی همچون اسرائیل در بافتی از تنش و تنازع و در پی فرایندی استعماری دیده به جهان گشوده و عملاً فرزندی نامشروع هستند؛ این اضطراب بنیادین را بیش از دیگران حس می‌کنند.

۵ از دید نظریاتی همچون نظریه انتخاب عقلانی (Rational Choice) بازیگران بین‌المللی نیز المللی بازیگرانی عقلانی هستند و بر اساس محاسبه هزینه و فایده عمل می‌کنند. اساس این عقلانیت در اسرائیل، عقلانیت نظامی و میلیتاریستی است و بدین صورت طبیعی می‌نماید که به‌سوی حصول ابعاد سخت و نرم‌افزاری قدرت و کنشگری و خشونت بیشتر گرایش داشته باشد.

#### مسئله اسرائیل، مسئله غرب و آمریکا است!

نکته اساسی دیگر در فهم منطق میلیتاریستی اسرائیل، زنجیره همکاری و فرایند ائتلاف‌سازی آن به ویژه با غرب و آمریکا است. جدای از افزایش لایه یهود و یهودیان متنفذ او پای و آمریکایی، اسرائیل از همان آغاز و به صورت روزافزون این انگاره خشنناختی را در میان نخبگان و حتی بخشی از توده‌های مردم در مغرب زمین و به ویژه آمریکا جا انداخته است که مسئله اسرائیل، همانا مسئله آمریکا و غرب است. این امر بنیانی جدی برای پیوند راهبردی میان آن‌ها را فراهم آورده است.

#### ترامپ در دولت دوم خود بسیار تهاجمی عمل می‌کند. مبادرت به جنگ با ایران و تهدید به بمباران مسکو وکن در همین راستا صورت می‌گیرند. بخشی از این تهاجمی شدن ناشی از تحولات دوره فترت ترامپ است که جنگ اوکراین و طوفان الاقصی در آن شکل گرفتند.

ترامپ با تهدید روسیه درصدد قدرتمند نشان دادن خود است. او می‌خواهد بر رئیس‌جمهوری تبدیل شود که یک بحران هسته‌ای باروسیه را تجربه کرده است. سخنان مدودف اهمیت نظامی خاصی نداشتت و ترامپ می‌توانست به‌راحتی شخص او را هم نادیده بگیرد. با این حال ترامپ حرف‌های مدودف را خواند، علیه او موضع گرفت و دست‌نود داد و زیردزایی هسته‌ای در نزدیکی روسیه مستقر شوند؛ صرفاً به این دلیل که از دست مدودف عصبانی‌شده. ترامپ دمدی مزاج‌تر شده و بنا به دلایلی تحركات نظامی انجام می‌دهد. ارتباط ترامپ با روسیه در آمریکا جدی گرفته نمی‌شود. ترامپ یک دوره ریاست‌جمهوری‌اش را در زیر سوظن‌ها در باره رابطه‌اش به روسیه را به پایان رساند و در دور دوم، به‌ویژه در قضیه اوکراین رفتارهایی انجام داد که گمان می‌رفت دنبال‌روی خط کرملین است. او در مدتی که ژنسکی را می‌کوبید و برای پوتین احترام قائل می‌شد، فشار چندانی از داخل جز برخ اظهارنظر‌های پرآکنده متحمل‌نشده. این مسئله نشان می‌دهد نهادهای آمریکایی نسبت به ترامپ و کنترل اثرات روسیه بر او اطمینان دارند.

زمانی که متحدهان اصلی آمریکا در مهار رقبا و دشمنان اصلی این کشور تحت‌فشار قابل ملاحظه‌ای قرار می‌گیرند، واشنگتن مجبور به واکنش مستقیم می‌شود. ورود به جنگ ایران و رژیم صهیونی برای نجات تل‌آویو این مسئله را به‌خوبی نشان داد. تهدیدات در پی او علیه روسیه و تباری که توان‌آمدن فوری این کشور در جنگ اوکراین، حکایت از بحران در کی‌یف دارد.

کمک می‌کند و کره شمالی در همکاری‌های نظامی تا جایی پیش رفته که علاوه بر سلاح و مهمات، هزاران سرباز برای جنگ با اوکراینی‌ها به روسیه اعزام کرده است.

#### درگیری‌ها

جدال لفظی مدودف با ترامپ حاوی نکاتی است که در ذیل آمده‌اند.

۱ مدودف که زمانی رئیس‌جمهور روسیه بوده دنبال ارتقای مجدد جایگاه خود در ساختار روسیه است. با تضعیف غرب‌گرایان در پی بروز جنگ اوکراین، مدودف از ویژگی‌های دوران ریاست‌جمهوری‌اش دور شده و به‌جای هماهنگی با غرب به تهدید این مجموعه می‌پردازد. او از شخصی غرب‌گرا به‌فردی ضدغرب مبدل شده است.
۲ در جایگاه معاون شورای امنیت، مدودف به یک سیاست‌مدار و مقام شبه‌رسمی بدل شده است. او نه قائلد جایگاه است که فراموش شود و نه مسئولیت مهمی دارد که بیش از اندازه جدی گرفته‌شود. این وضعیت باعث شده بود مدودف به‌سهولت در باره پررندهای خاص موضع‌گیری کند.
۳ مدودف در واکنش تند به ترامپ به نیابت از پوتین وارد شد که نمی‌خواهد جدال لفظی مستقیمی با این رئیس‌جمهور آمریکا داشته باشد. نوع واکنش ترامپ به مدودف، عمق جنجال‌ساز شدن ورود به جدال لفظی با او را نشان داد. در هفته‌های اخیر تلاش کرد حملاتی به شخص پوتین انجام دهد؛ اما رئیس‌جمهور روسیه از ورود مستقیم به این بازی خودداری کرد.

ترامپ در واکنش به مدودف احتمالاً اهداف دیگری هم دارد؛ مشخص‌شکلن وزن مدودف در روسیه برای تصمیم‌گیران، تحریک مقامات روسیه به ساکت کردن مدودف تا ترامپ بتواند از این اتفاق به‌عنوان یک پیروزی بهره‌برده و ادعا کند توان‌الژگذاری بر مناسبات داخلی روسیه را دارد؛ از جمله این اهداف هستند.

#### سؤال ببرد؛ مگر آن‌که این اقدام با برنامه‌ریزی برای ساخت سلاح هسته‌ای همراه باشد که خلاف فتوای رسمی رهبری معظم انقلاب و دکت‌رین دفاعی کشور است.

با این حال، باید در نظر داشت که برخی کشورها، به ویژه اعضای دائم شورای امنیت و شرکای ناتو، ممکن است از خروج ایران از NPT به عنوان بهانه‌ای برای تقویت تحریم‌ها خصوصاً اعمال محدودت‌حرم‌های مربوط به فصل هفتم سازمان ملل، افزایش فشارهای دیپلماتیک و تبلیغات منفی در افکار عمومی جهان استفاده کنند. از این رو، تهدید به ایجاد اجماع علیه ایران نه یک واکنش حقوقی و مشروع به خروج از ان‌پی‌تی، بلکه بیشتر ابزاری سیاسی است. نکته مهم آن است که ایران، پیش از این نیز در شرایطی مشابه با وجود عضویت کامل در NPT، در معرض اجماع‌سازی‌های یک‌جانبه و ناعادلانه قرار گرفته است. اعمال تحریم‌های گسترده اقتصادی و بانکی اوایل دهه نود شمسی و خروج آمریکا از برجام در حالی صورت گرفت که ایران به‌گونه‌آژانس، به

تمام تعهدات خود پایبند بود. این تجربه تاریخی، خود گواهی است بر اینکه ماندن در معاهده نیز مانع اجماع‌سازی نمی‌شود. با این حال با وجود زمینه حقوقی و مشروع برای خروج از ان‌پی‌تی و نیز بهره‌برداری درست و به موقع از پنجره‌های فرصت ایجادشده در سایه تحولات سال‌های اخیر در فضای جهان و حرکت به سمت نظم جدید جهانی، بروز تهدیدهایی علیه منافع ملی و قدرت بین‌المللی چین و روسیه در مناطق غرب آسیا، قفقاز و آسیای میانه ناشی از تضعیف و انزوای ایران در محیط جدید جهانی مانع همکاری این کشورها از ان‌پی‌تی می‌شود.

در نهایت این مسائل نشان می‌دهد که خروج ایران از NPT الزاماً منجر به اجماع جهانی علیه این کشور نمی‌شود؛ بلکه سبب ایجاد بازدارندگی علیه تهدیدهای سیاسی و نظامی دشمنان و نیز تقویت جایگاه بین‌المللی کشور به‌دلیل افزایش وزن سیاسی و امنیتی در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد شد.

# ۱۴